



نام:
نام خانوادگی:
محل امضا:

صبح پنجشنبه
۹۵/۲/۱۶



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود، مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته داخل - سال ۱۳۹۵

مجموعه زبان آلمانی - کد ۱۱۲۴

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۲۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤال‌ها				
ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	ترجمه متون آلمانی به فارسی	۵۵	۱	۵۵
۲	ترجمه متون فارسی به آلمانی	۴۵	۵۶	۱۰۰
۳	آیین نگارش	۲۰	۱۰۱	۱۲۰

این آزمون نمره منفی دارد.
استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

اردیبهشت‌ماه - سال ۱۳۹۵

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش الکترونیکی و ... پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

عناوین و ضرایب دروس امتحانی مجموعه زبان آلمانی - کد ۱۱۲۴

آیین نگارش	ترجمه متون فارسی به آلمانی	ترجمه متون آلمانی به فارسی	ضرایب و مواد امتحانی
			رشته
۱	۲	۲	۱) مترجمی زبان آلمانی
۱	۲	۲	۲) زبان و ادبیات آلمانی
۱	۲	۲	۳) آموزش زبان آلمانی

راهنمایی: مناسب‌ترین ترجمه برای جمله‌ها و عبارتهای ۱ تا ۲۰ را انتخاب کنید.

1- Die Buchhaltung ist die Organisationseinheit eines Unternehmens, die sich mit der Buchführung befasst.

- ۱) کتابداری، واحد سازمانی امور مربوط به تهیه و تنظیم کتاب است.
- ۲) حسابداری، واحد برنامه‌ریزی پروژه مربوط به مقاصحساب است.
- ۳) حسابداری، واحد سازمانی یک شرکت برای پرداختن به امور حسابرسی است.
- ۴) کتابداری، واحد سازمان‌یافته یک مؤسسه برای رتق‌وقتق امور مربوط به کتاب است.

2- Das Grundgesetz der I.R.I. hat ausdrücklich den Schutz von Leben, Gesundheit, Eigentum von Personen, Sicherheit und territorialer Integrität des Staates unterstrichen.

- ۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً بر صیانت از جان، بهداشت و مال افراد، امنیت و تمامیت ارضی کشور تأکید کرده است.
- ۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تلویحاً حفظ حیات، بهداشت و مالکیت اشخاص، ایمنی و استقلال ارضی کشور را در کانون توجه خود قرار داده است.
- ۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تلویحاً حمایت از جان، تن و مال افراد، امنیت و استقلال کامل کشور را مورد تأیید قرار داده است.
- ۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً بر صیانت از حق حیات، تندرستی، مالکیت اشخاص، ایمنی و یکپارچگی منطقه‌ای کشور صحه گذاشته است.

3- Rechtsprechung, Gesetzgebung und Vollziehende Kraft als Staatsgewalten sind an die Verfassung gebunden.

- ۱) مجاری حقوقی، قانون‌مداری و اجرائیات به‌عنوان مؤلفه‌های دولتی به نص قانون وابسته‌اند.
- ۲) قوای قضائیه، مقننه و مجریه به‌عنوان قوای دولتی به قانون اساسی پابند هستند.
- ۳) مبانی حقوقی، قانون‌گذاری و نیروی اجرایی به‌عنوان ارکان دولتی وابسته به قانون اساسی هستند.
- ۴) اجرای احکام حقوقی، حاکمیت قانون و اجرائیات به‌عنوان رئوس یک حاکمیت در راستای نص قانون قرار دارند.

4- Bei der Lehnübersetzung werden alle Bestandteile des Fremdworts einzeln in eine andere Sprache übersetzt.

- ۱) در گرده‌برداری، تمامی مشخصه‌های لغت خارجی به‌صورت جزئی به یک زبان دیگر ترجمه می‌شود.
- ۲) در ترجمه قرضی، تمامی مشتقات لغت خارجی جزء‌به‌جزء به یک زبان دیگر ترجمه می‌شود.
- ۳) در ترجمه قرضی، تمامی مؤلفه‌های واژه بیگانه به‌صورت مجزا به زبان دیگر ترجمه می‌شود.
- ۴) در گرده‌برداری، تمامی اجزای واژه بیگانه یک‌به‌یک به زبان دیگر ترجمه می‌شود.

5- Die Entscheidung, den Richter seines Amtes zu entheben oder ihn zu versetzen, liegt bei dem Oberhaupt der Judikative.

- ۱) تصمیم در باب خلع مقام قاضی یا برکناری وی، برعهده ریاست قوه قضائیه است.
- ۲) تصمیم در باب انفصال از خدمت قاضی یا تغییر محل خدمت وی، برعهده رئیس قوه قضائیه است.
- ۳) تصمیم‌گیری در باب برکناری قاضی از مقامش یا بازنشستگی وی، برعهده ریاست قوه قضائیه است.
- ۴) تصمیم‌گیری در باب کناره‌گیری قاضی از مقام خود یا ارتقا به پستی دیگر، برعهده رئیس قوه قضائیه است.

6- Die Ausführung einiger erlassener Gesetze, die im Grundgesetz nicht aufgeführt worden sind, obliegt der Rechtsprechung.

- (۱) اجرای برخی قوانین وضع شده که در قانون اساسی قید نشده‌اند، به‌عهده قوه قضائیه است.
- (۲) اجرای برخی از مصوبات قانونی ذکر نشده در قانون اساسی، بستگی به نظر حقوقدانان دارد.
- (۳) مبانی حقوقی، شرط اجرای قوانین وضع شده‌ای هستند که در قانون اساسی تصریح نشده‌اند.
- (۴) اجرای برخی قوانین تصویب شده که در قانون اساسی به آنها اشاره نشده است، منوط به حکم حقوقی است.

7- Gerichtsurteile zu Mobilien und Immobilien sind verbindlich.

- (۱) احکام دادگاه در باب مستغلات و املاک نافذ هستند.
- (۲) احکام قضایی در باب املاک منقول و غیرمنقول، تغییرناپذیرند.
- (۳) احکام قضایی در باب اموال منقول و غیرمنقول، لازم‌الاجرا هستند.
- (۴) احکام دادگاه در باب منازل مسکونی میله و غیرمیله، تعهدآور هستند.

8- Der Ex-DFB-Chef will von Günter Netzer erfahren haben, dass bei der WM-Vergabe 2006 Stimmen gekauft wurden.

- (۱) به گفته رئیس قبلی فدراسیون فوتبال آلمان، گونتر نتسر از طریق او به ماجرای خرید رأی برای تخصیص میزبانی جام جهانی ۲۰۰۶ پی برده است.
- (۲) گفته می‌شود که رئیس پیشین فدراسیون فوتبال آلمان، از طریق گونتر نتسر به ماجرای خرید رأی برای اعطای میزبانی جام جهانی ۲۰۰۶ پی برده است.
- (۳) رئیس پیشین فدراسیون فوتبال آلمان مدعی است که گونتر نتسر، وی را در جریان خرید رأی برای اعطای میزبانی جام جهانی ۲۰۰۶ قرار داده است.
- (۴) رئیس پیشین فدراسیون فوتبال آلمان، به نقل از گونتر نتسر مدعی است که در جریان تخصیص میزبانی جام جهانی ۲۰۰۶ اقدام به خرید رأی شده است.

9- Nicht nur Prominente, auch ganz normale Hotelgäste checken in Deutschland unter falschen Namen ein. Doch die Geheimnistuerei fliegt meistens auf.

- (۱) نه فقط هنرمندان صاحب‌نام، بلکه مهمانان عادی نیز هنگام مراجعه به هتل‌ها، درخواست می‌کنند که مشخصات آنها محفوظ بماند. اما هتل‌ها به این مخفی‌کاری غالباً روی خوش نشان نمی‌دهند.
- (۲) نه تنها شخصیت‌های سیاسی و هنری، بلکه مسافری معمولی نیز هنگام مراجعه به هتل‌ها و رزرو جا، از ذکر نام واقعی خود امتناع می‌کنند. این مخفی‌کاری اغلب پیامدهایی به دنبال دارد.
- (۳) نه فقط افراد صاحب‌نام، بلکه مسافری عادی هتل‌ها نیز هنگام برگردن برگه چک، نام خود را به‌عمد اشتباه می‌نویسند. ولی این مخفی‌کاری اغلب عاقبت خوشی نخواهد داشت.
- (۴) نه تنها شخصیت‌های برجسته، بلکه مراجعین معمولی هتل‌ها نیز هنگام ثبت مشخصات خود، از نامی غیرواقعی استفاده می‌کنند. البته این مخفی‌کاری غالباً پنهان نمی‌ماند.

10- Disney-Filme mit moralischer Botschaft sind offenbar der letzte Schrei.

- (۱) چنان‌که از ظواهر پیداست، شرکت دیسنی به تولید فیلم‌های دارای مضامین اخلاقی روی آورده است.
- (۲) آن‌طور‌که از قرائن برمی‌آید، فیلم‌های حاوی پیام اخلاقی شرکت دیسنی، علاقمندان خود را از دست داده‌اند.
- (۳) ظاهراً آن‌دسته از فیلم‌های شرکت دیسنی که از پیامی اخلاقی برخوردارند، آخرین نفس‌ها را می‌کشند.
- (۴) گویا آن‌دسته از فیلم‌های شرکت دیسنی که به مضامین اخلاقی می‌پردازند، فروش چندانی ندارند.

11- Väter, die mehr als zwei Monate in Elternzeit gehen, haben hinterher schlechtere Aufstiegsmöglichkeiten.

- (۱) پدرانی که بیش از دو ماه از مرخصی خانوادگی استفاده می‌کنند، در بازگشت به زندگی شغلی خود، از امکانات ترفیعی کمتری برخوردار می‌شوند.
- (۲) موفقیت شغلی پدرانی که برای مراقبت از کودک تازه متولدشده از مرخصی قانونی بیش از دو ماه استفاده می‌کنند، در بازگشت به محل کار کاهش می‌یابد.
- (۳) امکان پیشرفت شغلی پدرانی که مدت حضورشان در جلسات مشاوره خانوادگی بیش از دو ماه به طول بیانجامد، کمتر است.
- (۴) پدرانی که مدت حضورشان در دوره‌ی والدین بیش از دو ماه به طول بیانجامد، از بخت کمتری برای ارتقای شغلی برخوردارند.

12- Mit digitaler Technologie und dem nötigen Kapital im Rücken wollen deutsche Start-up-Unternehmen die Mobilität in neue Bahnen lenken.

- (۱) شرکت‌های نوپای آلمانی قصد دارند با استفاده از فناوری دیجیتالی و سرمایه لازم، تحولی در زمینه تحرک و جابه‌جایی ایجاد کنند.
- (۲) شرکت‌های معتبر آلمانی می‌خواهند با استفاده از فناوری دیجیتالی و حمایت مالی موردنیاز، کیفیت حمل‌ونقل را دگرگون سازند.
- (۳) شرکت‌های تازه‌تأسیس آلمانی به‌دنبال این هستند که با کاربست فناوری دیجیتال و پشتیبانی مالی لازم، زمینه تغییر کاربری گوشی‌های موبایل را فراهم سازند.
- (۴) شرکت‌های جدیدالتأسیس آلمانی مصمم‌اند که با به‌کارگیری فناوری دیجیتال و پشتیبانی مالی لازم، پویایی اندیشه را در مسیرهای تازه قرار دهند.

13- Die Freiheit des Menschen ist in dem Maße eingeschränkt, indem man an Besitz, Werken und letztlich an eigenem Ich hängt.

- (۱) آزادی انسان تا اندازه‌ای محدود است که به مال، کار و نهایتاً به منیت وابسته باشد.
- (۲) آزادی انسان در وابستگی به مالکیت، کردار و دست آخر خویشتن خویش محدود شده است.
- (۳) آزادی انسان در صورتی محدود می‌شود که به مالکیت، کار و نهایتاً منیت وابسته باشد.
- (۴) آزادی انسان به همان اندازه محدود است که به مال، اعمال و دست آخر به خویشتن خویش وابسته است.

14- Die Religion des Industriezeitalters ist mit echtem Christentum unvereinbar, weil sie die Menschen zu Dienern der Wirtschaft und der Maschinen, die sie mit eigenen Händen gebaut haben, reduziert.

- (۱) دین در عصر صنعتی نمی‌تواند خود را با مسیحیت ناب تطبیق دهد، زیرا این نگرش انسان‌ها را در خدمت اقتصاد و ماشین‌های ساخته دست بشر قرار می‌دهد.
- (۲) دینداری دوران صنعتی در تعارض با مسیحیت حقیقی قرار دارد، چرا که انسان‌ها را تا حد خدمتگزاران به اقتصاد و ماشین‌های ساخته دست بشر پایین می‌آورد.
- (۳) دین در عصر صنعتی نمی‌تواند با مسیحیت حقیقی تلفیق شود، زیرا این پندار، انسان‌ها را به بندگان اقتصاد و ماشین‌های ساخته دست خود آنها مبدل می‌سازد.
- (۴) دینداری دوران صنعتی درکی از مسیحیت ناب ندارد، چرا که این رویکرد، مقام انسان‌ها را تا حد بندگان اقتصاد و ماشین‌های ساخته دست خود پایین می‌آورد.

15- Das Bedürfnis nach Geschwindigkeit und Neuheit, das nur durch Konsum befriedigt werden kann, ist ein Ausdruck der Ruhelosigkeit und der inneren Flucht vor sich selbst.

(۱) خوانش شتاب و تجدد که فقط در مصرف می‌تواند معنا یابد، نشانهٔ عدم آرامش و گریز از باطن خویش است.

(۲) نیاز به شتاب و تجدد که صرفاً با مصرف می‌تواند موجب رضایتمندی شود، دلیلی بر عدم آرامش و گریز باطنی از خویش است.

(۳) نیاز به سرعت و نوآوری که فقط از طریق مصرف می‌تواند برآورده شود، بیانگر ناآرامی و فرار درونی از خویش است.

(۴) خوانش به سرعت و نوآوری که تنها در مصرف می‌تواند نیازمندی ایجاد کند، حاکی از ناهنجاری و فرار درونی از خویش است.

16- Der Mensch wird gezwungen, die meisten seiner echten Wünsche und Interessen aufzugeben und Wünsche und Gefühle anzunehmen, die nicht aus ihm selbst kommen, sondern ihm durch die gesellschaftlichen Denkmuster aufgenötigt werden.

(۱) انسان مجبور خواهد بود که به بیشتر آرزوها و علایق واقعی خود جامهٔ عمل نپوشاند و به دنبال آرزوها و عواطفی باشد که نشئت‌گرفته از خود او نیستند، بلکه به‌واسطه نمونه‌های رفتاری جامعه برای او تعریف می‌شوند.

(۲) انسان مجبور است که از بیشتر آرزوها و علایق واقعی خود صرف‌نظر کند و آمل و احساساتی را بپذیرد که نشئت‌گرفته از خود او نیستند، بلکه از طریق الگوهای فکری جامعه به او تحمیل می‌شوند.

(۳) انسان باید به اجبار از بیشتر آرزوها و علایق واقعی خود صرف‌نظر کند و آمل و احساساتی را دنبال کند که نشئت‌گرفته از خود او نیستند، بلکه به‌واسطه نمونه‌های رفتاری جامعه حاصل می‌شوند.

(۴) انسان مجبور خواهد شد که از بیشتر آرزوها و علایق واقعی خود دست بکشد و آرزوها و عواطفی را طلب کند که از درون او نجوشیده‌اند، بلکه از طریق الگوهای فکری جامعه به او تلقین می‌شوند.

17- Steine sind stumme Lehrer, sie machen den Beobachter stumm, und das Beste, was man von ihnen lernt, ist, nicht mitzuteilen.

(۱) سنگ‌ها، آموزگاران ناگفته سخن‌اند. بیننده را به خموشی فرامی‌خوانند و بهترین نکته‌ای که از آنها می‌آموزیم این است که سفره دل خود را باز نکنیم.

(۲) سنگ‌ها، آموزگاران خاموشی‌اند، زبان بیننده را بسته و به ما این بهترین نکته را می‌آموزند که لب فروبندیم.

(۳) سنگ‌ها، آموزگارانی‌اند که ناگفته سخن گویند و کلام را از زبان بیننده بریابند، و بهترین آموزه ما از آنها این است که سخن نگوییم.

(۴) سنگ‌ها، آموزگاران خاموشند، بیننده را به سکوت وامی‌دارند و بهترین نکته‌ای که از آنها می‌آموزیم، این است که لب فروبندیم.

18- Unser beständiges Klagen über alle Geschehnisse im Leben entsteht aus unserer fehlenden Einstimmung auf die verschiedenen Bedingungen des uns umgebenden Lebens.

(۱) شکایت همیشگی ما در باب رویدادهای زندگی، حاکی از شرایط ناهمگون متعددی است که در زندگی ما را محاصره کرده است.

(۲) اعتراض دایمی ما درخصوص حوادث زندگی، ناشی از ناهمخوانی با زندگی اطرافمان و برداشت‌های متفاوت ما از آن است.

(۳) شکوه همیشگی ما درمورد رویدادهای زندگی، ناشی از ناسازگاری ما با شرایط متفاوت زندگی اطراف ما است.

(۴) گله دایمی ما درباره حوادث زندگی، از نبودن امکانات متنوع در زندگی اطراف سرچشمه می‌گیرد.

19- Das sprechende Individuum kann nicht für jede Deutung verantwortlich gemacht werden.

- (۱) گوینده مسئول هر تعبیر نیست.
 (۲) هر آنکه سخن گوید، در پی آن نیست که به دنبال تعبیری باشد.
 (۳) آن فرد که بگشاید لب، نه این است که تعبیر کند مسئولیت خویش را.
 (۴) هر آن فرد که سخن گوید، نتوان او را به هر تعبیری مسئول دانست.

20- Wer weiß etwas von diesen schmalen Figuren, die sich entfernen?

- (۱) چه کسی از حال شخصیت‌های ظریفی خبر دارد که خود را از ما دور نگه داشته‌اند؟
 (۲) کس چه داند که چرا شخصیت‌های نکته‌سنج از ما دور می‌شوند؟
 (۳) چه کسی از حال هیکل‌های تکیده دوردست خبر می‌آورد؟
 (۴) کس چه داند از حال هیکل‌های نحیفی که دور می‌شوند؟

راهنمایی: متن زیر را به دقت بخوانید و مناسب‌ترین مورد را انتخاب کنید.

In nahezu allen Ländern Europas wurden die (21) der Wirtschaftskrise in Asien deutlich gesehen. Die direkte (22) des europäischen Außenhandels war jedoch insgesamt relativ (23) Für die deutsche Wirtschaft lag Anteil der Exporte nach Asien bei 10,5 Prozent - mit rückläufiger (24) Der Anteil der deutschen Exporte in die Krisenregionen im engeren Sinne, einschließlich Japans, (25) sich auf rund fünf Prozent. Stärker beeinträchtigt waren jedoch einzelne (26), etwa die des Bau- und Infrastruktursektors und auch die des Konsumgüterhandels. Unter diesem Gesichtspunkt erwies es sich als (27), dass deutsche (28) im asiatischen Konsumgüterbereich nur schwach vertreten waren. Demgegenüber nahmen deutsche (29) eine starke Position in den Bereichen ein, auf die die Krisenländer nicht (30) konnten, um ihren Export aufrechtzuerhalten, etwa im Maschinen- und Anlagenbau.

- | | |
|----------------------|------------------|
| 21- 1) Schwächen | 2) Schranken |
| 3) Einschränkungen | 4) Auswirkungen |
| 22- 1) Folge | 2) Betroffenheit |
| 3) Förderung | 4) Wirkung |
| 23- 1) gering | 2) beachtlich |
| 3) konservativ | 4) pathetisch |
| 24- 1) Rendite | 2) Tilgung |
| 3) Tendenz | 4) Masse |
| 25- 1) konzentrierte | 2) bezog |
| 3) besann | 4) belief |
| 26- 1) Funktionen | 2) Branchen |
| 3) Projektionen | 4) Güter |
| 27- 1) kurzfristig | 2) unbegründet |
| 3) vorteilhaft | 4) verheerend |

- | | | |
|-----|---------------------------------|-------------------------------------|
| 28- | 1) Exporteure
3) Einwanderer | 2) Intellektuelle
4) Spekulanten |
| 29- | 1) Autobauer
3) Unternehmen | 2) Behörden
4) Vertretungen |
| 30- | 1) aufpassen
3) verzichten | 2) hinweisen
4) eingehen |

راهنمایی: دو متن زیر را با دقت بخوانید و گزینه مناسب را در هر سؤال انتخاب نمایید.

Text I:

Die Idee der Integration von Behinderten aus der Schule in die Arbeitswelt will das Vorarlberger Projekt "Spagat" tragen: In Bludenz werden schwerbehinderte Jugendliche auf das Berufsleben vorbereitet. Dabei arbeiten sie ein halbes Jahr lang für einen kleinen Lohn in diversen Bereichen. Die hohe Motivation zeichnet alle Spagat-Jugendlichen aus. Sie haben großen Spaß an ihrer Arbeit und wissen es zu schätzen, dass sie in ihrem regionalen Umfeld arbeiten können und dass ein Arbeitsplatz ganz nach ihren Fähigkeiten "erfunden" wurde. Denn üblicherweise müssen sich Jugendliche mit schweren Behinderungen, mit einem "geschützten" Bereich zufrieden geben, in dem sie ausschließlich mit behinderten Kollegen zu tun haben und nur selten ernst genommen werden. "Spagat" ist ein österreichweit einmaliges Projekt, durch das es, so Projektleiterin Elisabeth Tschann, "den Jugendlichen ermöglicht werden soll, ein möglichst selbstständiges Leben zu führen". Jugendliche, Eltern, Lehrpersonen, ArbeitgeberInnen, KollegInnen und Menschen aus dem Bekanntenkreis, alle gemeinsam machen den Spagat und schlagen Brücken zueinander. Das Projekt "Spagat" begann 1998, als die Eltern der ersten "Integrationskinder" nach Möglichkeiten suchten, ihren Kindern auch nach der Schule einen normalen Arbeitsplatz zu bieten. Als Partner wurden die Abteilung "Berufliche und soziale Rehabilitation" des Instituts für Sozialdienste und der Landesschulrat gewonnen. Mitfinanziert wurde "Spagat" drei Jahre lang durch den Europäischen Sozialfonds. Seit letztem Jahr übernahm das Land Vorarlberg die gesamte Finanzierung des Projekts. Sieben Jugendliche arbeiten bereits auf dem ersten Arbeitsmarkt, weitere neun stehen am Beginn des beruflichen Integrationsprozesses. Mit der Vorbereitung auf das berufliche Leben wird bereits im letzten Schuljahr begonnen, und zwar durch Berufs- und Lebensplanung im Unterricht und Schnupperphasen in Betrieben. Nach Abschluss der Schule werden die neuen Berufstätigen am Arbeitsplatz, am Anfang von einer Integrationsberaterin begleitet, dann übernimmt eine Mentorin oder ein Mentor die Verantwortung.

- 31- Von wem wurde die Finanzierung des Projekts zuletzt übernommen? Vom
- | | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| 1) Europäischen Sozialrat | 2) Vorarlberger Landesschulrat |
| 3) Institut für Sozialdienste | 4) Bundesland Vorarlberg |

- 32- **Das Ziel des Vorarlberger Projekts "Spagat" ist,** .
- 1) schwerbehinderte Jugendliche bei ihrer Freizeitgestaltung zu fördern
 - 2) schwerbehinderten Jugendlichen einen leichten Berufseinstieg zu ermöglichen
 - 3) schwerbehinderten Jugendlichen den Umgang mit ihrer Behinderung zu erleichtern
 - 4) schwerbehinderte Jugendliche über ihre Rechte und Pflichten in der Familie zu informieren
- 33- **Welche Überschrift passt am besten zum Text?**
- 1) Integration von behinderten Jugendlichen in die Arbeitswelt
 - 2) Geschützte Arbeitsbereiche für behinderte Jugendliche
 - 3) Berufliche und soziale Rehabilitation der Jugendlichen
 - 4) Mindestlohn für schwerbehinderte Jugendliche
- 34- **Die am Projekt beteiligten Jugendlichen arbeiten** .
- 1) in einem geschützten Bereich
 - 2) gemeinsam an verschiedenen Projekten
 - 3) in unterschiedlichen Arbeitsbereichen
 - 4) immer mit behinderten Kollegen zusammen
- 35- **Welche Gemeinsamkeit verbindet alle Spagat-Jugendlichen?**
- 1) Ihre Bereitschaft für Teamarbeit
 - 2) Ihr Engagement in sozialen Aktivitäten
 - 3) Ihr Unverständnis für ungleiche Behandlung
 - 4) Ihre hoch motivierte Teilnahme am Projekt
- 36- **Die Vorbereitung der behinderten Jugendlichen auf das Berufsleben fängt** an.
- 1) bereits in ihrem letzten Schuljahr
 - 2) nach Abschluss der Schule
 - 3) nach Besuch eines Vorbereitungskurses
 - 4) nach Vollendung ihres 18. Lebensjahrs
- 37- **Womit wird die auf 6 Monate befristete/beschränkte Arbeitszeit der Jugendlichen während der Verarbeitungsphase honoriert?**
- 1) Sie bekommen ein kleines Entgelt dafür.
 - 2) Sie bekommen kein Honorar in der Verarbeitungsphase.
 - 3) Ihre Arbeit wird mit einem kleinen Preis ausgezeichnet.
 - 4) Sie bekommen dafür denselben Lohn wie die anderen Arbeiter.

Text II:

Mit der Inquisition hatte die katholische Kirche die Möglichkeit, in ganz Europa systematisch gegen Häretiker vorzugehen. Der Inquisitor zog von Stadt zu Stadt, ließ alle Bürger auf dem Marktplatz antreten. Nach der Ketzerpredigt schickte er sie mit dem Befehl nach Hause, Ketzer in einer bestimmten Frist bei ihm anzuzeigen oder sich selbst anzuzeigen. In diesem Fall kam der Häretiker mit einer mildereren Strafe davon. Denunziantentum und Selbstanzeige waren ein erfolgreiches Instrumentarium der

Inquisition, schafften aber auch das Problem des Missbrauchs. Vor Gericht mussten sich die Angeklagten dann verantworten; die Verteidigungsmöglichkeiten waren gering, weil ihnen die Namen der Belastungszeugen vorenthalten wurden, damit diese nicht Repressalien des Angeklagten oder seiner Familie ausgesetzt waren. Bei besonders hartnäckigen Ketzern ließ der Inquisitor die Folter anwenden. Stand die Schuld dann fest, wurde das Urteil öffentlich im Rahmen einer Messe verkündet, das im schlimmsten Fall Verbrennen auf dem Scheiterhaufen bedeutete. Es kamen aber weit weniger Menschen auf den Scheiterhaufen, als man weithin denkt. Einer der bekanntesten Inquisitoren des Mittelalters, Bernard Gui, verurteilte bei 930 Prozessen 42 Ketzer zum Tode auf dem Scheiterhaufen. 307 Angeklagte verurteilte er zu Kerkerhaft, 139 wurden freigesprochen, und der Rest kam mit leichteren Strafen wie dem Tragen von Bußkreuzen oder Pilgerfahrten davon. Die Inquisition war vor allem in Frankreich, Italien und Spanien aktiv, wütete aber auch in Deutschland. Hier fiel besonders Konrad von Marburg als grausamer Inquisitor auf. Er wurde im Sommer 1233 erschlagen. Mitte des 14. Jahrhunderts nahm die Bedeutung der mittelalterlichen Inquisition ab. Die Ketzerbewegungen waren zerschlagen, dieses Problem der Kirche war gelöst. Doch schon bald stand die Inquisition vor neuen Aufgaben.

- 38- Welches Problem ist mit "dieses Problem der Kirche war gelöst" gemeint?**
Das Problem
- 1) der Effizienz der Ketzerpredigten
 - 2) der Existenz von Ketzerbewegungen
 - 3) des Missbrauchs der Schuldbekennnisse
 - 4) des unkonventionellen Vorgehens der Inquisitoren
- 39- Manche Angeklagten der Ketzergerichte wurden zum Tragen von Bußkreuzen verurteilt. Dementsprechend mussten sie zur Strafe**
- 1) mehrere Kreuze aus Holz bauen
 - 2) an einem der Kreuzzüge teilnehmen
 - 3) die gezimmerten Kreuze zur Kirche tragen
 - 4) ein Kreuz über ihrer Kleidung tragen
- 40- Der Autor weist explizit darauf hin, dass**
- 1) das brutale Vorgehen der Inquisitoren der Inquisition das Ende bereitete
 - 2) die Inquisition bis zum heutigen Tag nicht aufgehört hat, aufgelöst zu werden
 - 3) die Inquisition in späteren Zeiten neue Funktionen ausübte
 - 4) die Inquisition Mitte des 14. Jahrhunderts endgültig vorbei war
- 41- Indem die Bürger Selbstanzeige erstatteten, hatten sie die Möglichkeit,**
- 1) sich allerhand Privilegien zu verschaffen
 - 2) beim Richter für andere Angeklagte zu bürgen
 - 3) die Richter von ihrer Unschuld zu überzeugen
 - 4) dem Tod auf dem Scheiterhaufen zu entgehen
- 42- Der richterliche Beschluss über die Hinrichtung eines Häretikers wurde**
..... bekannt gegeben.
- 1) in Form eines Rundschreibens
 - 2) im Rahmen eines Gottesdienstes
 - 3) immer an einem besonderen Tag
 - 4) nur in der Gegenwart seiner Verwandten

- 43- Ein Angeklagter erfuh im Gericht niemals etwas über
1) die Namen der zuständigen Richter
2) die Art und Weise seiner Strafe
3) die Identität eines Belastungszeugen
4) die wahren Gründe seiner Verurteilung
- 44- Welches Problem war mit Denunziantentum und Selbstanzeige verbunden?
Sie hätten können.
1) zum Eigennutz missbraucht werden
2) soziale Unruhen heraufbeschwören
3) den Richtern zum Verhängnis werden
4) zur Diffamierung der Denunzianten bzw. Selbstanzeiger führen
- 45- Welche Überschrift passt am besten zum Text?
1) Denunziantentum als Mittel der Rechtsprechung
2) Das inquisitorische Wirken von Bernard Gui
3) Schrittweise Etablierung der Inquisition
4) Ketzergerichte im Mittelalter

راهنمایی: در سؤال های ۴۶ تا ۵۵، گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- 46- Die über den Elfmeter Zuschauer stürmten auf das Spielfeld.
1) erbitternden
2) erbitterten
3) erbitterte
4) erbitternde
- 47- Der Richter lässt die Fenster öffnen.
1) einen Justizbeamten
2) einen Justizbeamte
3) ein Justizbeamte
4) ein Justizbeamter
- 48- Steuerbetrug steht in Deutschland Strafe.
1) in
2) auf
3) unter
4) vor
- 49- Ich kann mich nicht genau erinnern, wann ich ihn
1) kennen lernen habe
2) kennen gelernt habe
3) habe kennen gelernt
4) habe kennen lernen
- 50- Die Konjunktiv-I-Form für den Satz „Das Fenster war geöffnet“ lautet:
1) Das Fenster sei geöffnet.
2) Das Fenster sei geöffnet gewesen.
3) Das Fenster würde geöffnet sein.
4) Das Fenster würde geöffnet gewesen sein.
- 51- Die Nominalisierung des Satzes „Der Lehrer begrüßt die Schüler“ lautet:
1) Der Gruß der Schüler vom Lehrer
2) Der Gruß des Lehrers an die Schüler
3) Die Begrüßung des Lehrers für die Schüler
4) Die Begrüßung der Schüler durch den Lehrer

۵۷- وزیر امور خارجه ایران در دیدار با رئیس جمهور عراق، بر مناسبات مبتنی بر حسن همجواری با کشورهای همسایه تأکید کرد.

- 1) Der iranische Außenminister betonte im Umgang mit dem irakischen Staatspräsidenten die um gute Nachbarschaft bemühten Beziehungen mit den Nachbarländern.
- 2) Der iranische Außenminister betonte in einer Begegnung mit dem irakischen Staatspräsidenten die vom guten Willen zur Nachbarschaft geprägten Beziehungen mit den Nachbarländern.
- 3) Der iranische Außenminister hob in einem Zusammentreffen mit dem irakischen Staatspräsidenten die auf der Ebene der guten Nachbarschaft neutralisierten Beziehungen mit den Nachbarländern hervor.
- 4) Der iranische Außenminister unterstrich in einem Treffen mit dem irakischen Staatspräsidenten die gutnachbarlichen Beziehungen mit den Nachbarländern.

۵۸- آقای ... امروز کار خود را به عنوان کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در برلین آغاز کرده است.

- 1) Herr ... hat am heutigen Tag seinen Beruf als Ehrenvertreter der Botschaft der I.R.I. in Berlin angefangen.
- 2) Herr ... hat am heutigen Tag seine Arbeit als Geschäftsträger der Botschaft der I.R.I. in Berlin aufgenommen.
- 3) Herr ... hat heute seinen Dienst als Berufsdiplomat der Botschaft der I.R.I. in Berlin angetreten.
- 4) Herr ... hat heute seine Tätigkeit als beruflicher Amtsinhaber der Botschaft der I.R.I. in Berlin begonnen.

۵۹- بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که آقای ...، مدیرعامل شرکت، در غیاب موقت رئیس هیئت مدیره، اداره امور شرکت را به عهده خواهد داشت.

- 1) Hiermit wird Ihnen mitgeteilt, dass Herr ..., der stellvertretende Direktor des Unternehmens, während der kurzfristigen Abwesenheit des vorgesetzten Vorstands die Aufgaben der Gesellschaft übernehmen wird.
- 2) Hiermit wird Ihnen mitgeteilt, dass Herr ..., der Generaldirektor der Firma, während der vorübergehenden Abwesenheit des Vorsitzenden des Direktoriums die Angelegenheiten der Firma übernehmen wird.
- 3) Hiermit wird Ihnen mitgeteilt, dass Herr ..., der Geschäftsführer der Gesellschaft, während der provisorischen Abwesenheit des Vorstandsvorsitzenden die Leitung der Gesellschaft übernehmen wird.
- 4) Hiermit wird Ihnen mitgeteilt, dass Herr ..., der vorgesetzte Leiter der Firma, während der vorläufigen Abwesenheit des Generaldirektors die Verwaltung des Unternehmens übernehmen wird.

۶۰- فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در دیدار با رئیس جمهور اسلامی ایران اظهار امیدواری کرد که قطعنامه ۵۹۸ در آینده‌ای نزدیک، مراحل اجرایی خود را آغاز کند.

- 1) Der Sondergesandte des Generalsekretärs der Vereinten Nationen äußerte im Zusammentreffen mit dem Staatspräsidenten der I.R.I. die Hoffnung, dass die Ausführungsphasen der Resolution 598 in naher Zukunft an Fahrt gewinnen.
- 2) Der Sondergesandte des Generalsekretärs der Vereinten Nationen brachte im Zusammentreffen mit dem Staatspräsidenten der I.R.I. seine Hoffnung zum Ausdruck, dass die Ausführungsphasen der Resolution 598 in absehbarer Zeit begonnen werden.
- 3) Der Sonderbeauftragte des Generalsekretärs der Vereinten Nationen äußerte im Zusammentreffen mit dem Staatspräsidenten der I.R.I. die Hoffnung, dass die Durchführungsetappen der Charta 598 in absehbarer Zeit beginnen werden.
- 4) Der Sonderbeauftragte des Generalsekretärs der Vereinten Nationen brachte im Zusammentreffen mit dem Staatspräsidenten der I.R.I. seine Hoffnung zum Ausdruck, dass die Durchführungsetappen der Charta 598 in naher Zukunft an Fahrt gewinnen.

۶۱- ثبت درآمدها و مخارج در دفتر مالی شرکت، بدون هماهنگی با شرکا امکان‌پذیر نیست.

- 1) Die Registrierung der Ein- und Ausgaben im Finanzbuch der Firma ist ohne Einwilligung der Aktionäre nicht möglich.
- 2) Die Eintragung der Ein- und Ausgaben in das Finanzbuch des Unternehmens ist ohne Vorsprache mit den Partnern nicht möglich.
- 3) Die Registrierung der Einnahmen und Ausgaben im Finanzbuch des Betriebs ist ohne Einverständnis der Teilnehmer nicht möglich.
- 4) Die Eintragung der Einnahmen und Ausgaben in das Finanzbuch der Gesellschaft ist ohne Abstimmung mit den Gesellschaftern nicht möglich.

۶۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر تأمین نیازهای اساسی چون مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش تأکید کرده است.

- 1) Das Grundgesetz der I.R.I. hat die Befriedigung der grundlegenden Bedürfnisse wie Wohnung, Nahrung, Kleidung, Gesundheit, Behandlung, Bildung und Erziehung unterstrichen.
- 2) Das Grundgesetz der I.R.I. hat die Dämpfung der grundlegenden Notstände wie Wohnung, Ernährung, Bekleidung, Hygiene, Pflege, Ausbildung und Erziehung hervorgehoben.
- 3) Das Grundgesetz der I.R.I. hat die Beilegung der grundlegenden Notstände wie Wohnsitze, Nahrung, Bekleidung, Gesundheit, Pflege, Bildung und Erziehung betont.
- 4) Das Grundgesetz der I.R.I. hat die Sicherung der grundlegenden Bedürfnisse wie Wohnsitze, Ernährung, Kleidung, Hygiene, Behandlung, Ausbildung und Erziehung betont.

۶۳- در صورتی که زوج از دادن نفقه به زوجه به مدت شش ماه استنکاف کند، زوجه می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند.

- 1) Falls im Sinne des Ehemanns die Unterhaltung der Ehefrau für sechs Monate ausbleibt, kann die Ehefrau beim Gericht einen Antrag auf die Scheidung stellen.
- 2) Falls der Ehemann die Unterbringung der Ehefrau in sechs Monaten verweigert, kann die Ehefrau beim Gericht den Antrag auf die Scheidung erzwingen.
- 3) Wenn sich der Ehemann weigert, die Unterhaltskosten der Ehefrau für sechs Monate zu zahlen, kann die Ehefrau beim Gericht die Scheidung beantragen.
- 4) Wenn sich der Ehemann weigert, die Obhut der Ehefrau in sechs Monaten zu übernehmen, kann die Ehefrau beim Gericht den Scheidungsantrag erzwingen.

۶۴- الان یک هفته است کریم از شهر نیامده است.

- 1) Es ist bereits eine Woche her, und Karim ist noch nicht aus der Stadt zurück.
- 2) Eine Woche ist erst vergangen, seit Karim aus der Stadt hätte zurückkehren sollen.
- 3) Kaum ist eine Woche vergangen, meldet sich Karim nicht mehr aus der Stadt zurück.
- 4) Karim kam nicht von der Stadt zurück, obwohl er vor einer Woche hätte zurück sein müssen.

۶۵- ما را به خیر تو امیدوی نیست، شر مرسان.

- 1) Soll man nichts Böses von dir reden, so musst du nichts Böses tun.
- 2) Man hofft nichts Gutes von dir, gönne den anderen kein Böses!
- 3) Tu Gutes, so widerfährt dir nichts Böses!
- 4) Wer Böses tut, darf nicht Gutes hoffen!

۶۶- اما دو کلمه از آقای استادی بشنوید که تازه کیفشان کوک شده بود.

- 1) Hört nun aber zwei Worte über einen Kerl, der sich bereits früh zu amüsieren begann.
- 2) Hören Sie aber nun kurz von einem Gelehrten, der den Mund voll zu nehmen pflegte.
- 3) Hören Sie nun aber einiges über einen Herrn Dozenten, der sich recht munter anfühlte.
- 4) Hört nun aber ein wenig von einem vornehmen Herrn, der erst spät in Schwung gekommen war.

۶۷- علم و ایمان نه تنها با یکدیگر تضادی ندارند، بلکه متمم یکدیگرند.

- 1) Wissenschaft und Glaube sind nicht nur keine Gegensätze, sie vervollkommen sich gegenseitig.
- 2) Weder stellen Wissenschaft und Glaube Gegensätze dar, noch ergänzen sie sich vollständig.
- 3) Wissenschaft und Glaube stehen in keinem Gegensatz zueinander, sie ergänzen sich sogar partiell.
- 4) Wissenschaft und Glaube vertragen sich nicht nur bestens, sie ergänzen sich auch restlos.

۶۸- به گفته سردبیر شبکه هندی "Times Now" ۹۱٪ جمعیت هند (برای کسب خبر) به منابع خارجی رجوع می کنند.

- 1) Nach den Worten des Chefredakteurs des indischen TV-Senders "Times Now" trauen 91 Prozent der indischen Bevölkerung den Nachrichten aus ausländischen Quellen.
- 2) Für den Chefredakteur des indischen TV-Senders "Times Now" holen sich 91 Prozent der Inder die Nachrichten bei ausländischen Nachrichtendiensten.
- 3) Den Angaben vom Chefredakteur des indischen TV-Senders "Times Now" zufolge wenden sich in Indien 91 Prozent der Bevölkerung an ausländische Quellen.
- 4) Nach Auffassung vom Chefredakteur des indischen TV-Senders "Times Now" beziehen sich 91 Prozent der Inder auf die Nachrichten von ausländischen Quellen.

۶۹- رنجها آموزگاران دلند هر کمالی را نخستین منزلند

- 1) Die Leiden sind die Lehrer des Inneren,
Sie sind für jede Vollendung das erste Zuhause.
- 2) Die Qualen sind wie ein Meister des Körpers,
Sie sind jeder Erhabenheit der erste Platz.
- 3) Die Qualen sind die Meister des Leibes,
Sie sind jeder Vollkommenheit der erste Gang.
- 4) Die Leiden sind die Lehrer des Herzens,
Sie sind jeder Vervollkommnung die ersten Etappen.

۷۰- به روز نیک کسان گفت غم مخور زنهار بسا کسا که به روز تو آرزومند است

- 1) Vorsicht, beneide die nicht, die es besser als du haben;
Es gibt viele, die sich nach dem, was du hast, sehnen.
- 2) Er sagte, kümmere dich nicht um den guten Tag anderer;
Viele Leute wünschen sich deinen Tag.
- 3) Beneide vorsichtshalber den nicht, der es besser kann als du;
Es gibt viele, die sich wünschen, einen Tag wie du zu leben.
- 4) Er sagte, mach dir keine Sorgen wegen des guten Schicksals anderer;
Viele Leute gönnen sich dein Schicksal.

۷۱- برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، ز پیش فرست

- 1) Schicke deinem Grab ein Bisschen Freude voraus,
Niemand schenkt sie dir ins Jenseits' Haus.
- 2) Gute Taten schicke deinem Grab voraus,
Niemand bringt sie dir ins Jenseits' Haus.
- 3) Schicke deinem Grab genug Proviant voraus,
Denn niemand kann es dir danach bestellen.
- 4) Gute Werke solltest du als Vorrat ins Grab mitnehmen,
Denn niemand kann sie dir im Jenseits ersetzen.

۷۲- این رؤیا که ما حاکم مستقل بر زندگی خود هستیم، زمانی پایان یافت که دریافتیم در ماشین دیوان‌سالاری، چرخه‌ی بیش نیستیم.

- 1) Der Traum, unabhängige Herren über unser Leben zu sein, endete mit der Erkenntnis, dass wir alle zu Rädern in der bürokratischen Maschine geworden sind.
- 2) Der Traum, über unser Leben unabhängig entscheiden zu können, ging dann zu Ende, als wir wussten, Puppen in der theatralischen Welt der Bürokratie zu sein.
- 3) Die Utopie, ganz unabhängig unser Leben in Griff zu haben, endete dann, wo wir begriffen, dass wir alle zu Rädern in der patriarchalischen Maschine geworden sind.
- 4) Die Utopie, unabhängige Herren über unser Schicksal zu sein, führte dazu, dass wir wussten, Schachfiguren in der Welt der Patriarchie zu sein.

۷۳- قدرتمندان خودخواه جامعه معتقد هستند که می‌توان مردم را فقط با مزایای مادی، یعنی با پاداش، تحریک و ترغیب کرد.

- 1) Die autoritativen Mächtigen der Gesellschaft nehmen an, die Menschen seien nur durch materiellen Profit, das heißt durch Belohnungen zu beeinflussen.
- 2) Die arroganten Mächtigen der Gesellschaft denken, man könne die Menschen nur durch materielle Vorteile, das heißt durch Geschenke anreizen.
- 3) Die selbstsüchtigen Machthaber der Gesellschaft glauben, man könne die Menschen nur durch materielle Vorteile, das heißt durch Belohnungen motivieren.
- 4) Die autoritären Machthaber der Gesellschaft sind der Auffassung, man könne die Menschen nur durch materielle Dinge, das heißt durch Geschenke ermuntern.

۷۴- این امر که تمرکز شرط لازم چیره‌دستی در هر هنری است، ثابت شده است و نیاز چندانی به توضیح ندارد.

- 1) Die Tatsache, dass Konzentration die notwendige Voraussetzung für die Geschicklichkeit in jedem Kunstwerk ist, ist bewiesen und bedarf kaum einer handfesten Begründung.
- 2) Dass Konzentration eine notwendige Bedingung für die Beherrschung einer Kunst ist, hat sich erwiesen und bedarf kaum einer Erklärung.
- 3) Diese Tatsache, dass Konzentration eine nötige Bedingung für die Tauglichkeit in jedem Kunstwerk ist, bedarf wegen der handfesten Beweise keiner Begründung.
- 4) Dass Konzentration eine wichtige Voraussetzung für die einwandfreie Ausübung jeder Kunst ist, bedarf auf Grund der vorliegenden Beweise kaum einer Erklärung.

۷۵- بیشتر مردم در این پندار به سر می‌برند که طبق تصورات و تمایلات خود رفتار می‌کنند و عقیده آنها نتیجه تفکر شخصی آنهاست.

- 1) Die meisten Menschen leben in der Halluzination, eigene Vorstellungen und Neigungen zu haben und dass ihre Weltanschauung als Ergebnis eigenen Denkens geformt ist.
- 2) Die Mehrheit der Menschen lebt in der Halluzination, eigenen Vorstellungen und Neigungen zu folgen und ihre Weltanschauung mit Hilfe eigenen Denkens zu formen.
- 3) Die Mehrheit der Menschen folgt der Illusion, eigene Vorstellungen und Neigungen zu haben und ihre Meinung als Ergebnis eigenen Denkens zu bilden.
- 4) Die meisten Menschen leben in der Illusion, eigenen Vorstellungen und Neigungen zu folgen und dass ihre Meinung das Ergebnis eigenen Denkens ist.

راهنمایی: دو متن زیر را با دقت بخوانید و گزینه مناسب را در هر سؤال انتخاب نمایید.

متن اول:

استفاده ابزاری از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA): شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۵ بهمن ۱۳۸۴ برابر با ۴ فوریه ۲۰۰۶ با تشکیل اجلاس اضطراری، با صدور یک قطعنامه سیاسی، موضوع هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع داد. از ۳۵ عضو شورای حکام، سه کشور ونزوئلا، سوریه و کوبا به این قطعنامه رأی منفی و ۵ کشور آفریقای جنوبی، لیبی، اندونزی، الجزایر و بلاروس نیز به آن رأی ممتنع دادند. در ارتباط با ارسال موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت این سؤال مطرح است که آیا از منظر حقوقی اساساً گزارش به شورای امنیت توسط آژانس به‌درستی صورت پذیرفت؟ اساسنامه آژانس، دو مبنا را جهت ارتباط آژانس با شورای امنیت معرفی می‌نماید.

اولاً، به‌موجب ماده ۳ اساسنامه، آژانس باید چنانچه در ارتباط با فعالیت‌هایش، مسائلی مطرح گردند که در صلاحیت شورای امنیت قرار دارد، شورای امنیت را به‌عنوان رکن مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از آن مطلع سازد. علی‌رغم ادعای حامیان ارسال موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت، فعالیت‌های هسته‌ای ایران در هیچ‌یک از گزارش‌های مدیرکل آژانس، نه تنها به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نشده است، بلکه صریحاً بر عدم انحراف و صلح‌آمیز بودن آنها تصریح شده است.

ثانیاً، به‌موجب ماده ۱۲ اساسنامه آژانس، چنانچه در جریان بازرسی‌ها بازرسان آژانس دریافتند که فعالیت‌های هسته‌ای یک دولت عضو به‌منظور اهداف نظامی انجام پذیرفته‌اند، باید هرگونه عدم پایبندی را به مدیرکل گزارش نموده که وی موارد گزارش‌شده را به شورای حکام ارسال خواهد داشت. احراز عدم پایبندی (انحراف به سمت مقاصد نظامی) پیش‌شرط ضروری برای ارجاع موضوع به شورای امنیت می‌باشد.

در کنار مبنای اساسنامه‌ای فوق در ارجاع موضوعات توسط آژانس به شورای امنیت، وفق ماده ۱۹ موافقتنامه پادمان منعقد بین جمهوری اسلامی ایران و آژانس، قادر نبودن آژانس در راستی‌آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای، یکی دیگر از شرایط ضروری برای ارجاع موضوع به شورای امنیت است. درحالی‌که مدیرکل آژانس، در تمامی گزارش‌های خود تصریح کرده است که آژانس قادر می‌باشد، مواد و فعالیت‌های هسته‌ای را راستی‌آزمایی نموده و مواد هسته‌ای به سمت مقاصد نظامی منحرف نشده و تحت مقاصد صلح‌آمیز باقی مانده است.

- 76- **Der dem Deutschen entsprechende Titel für den Text lautet:**
- 1) Missstand der Internationalen Atomenergieagentur
 - 2) Missbrauch der Internationalen Atomenergieorganisation
 - 3) Instrumentalisierung der Internationalen Atomenergiebehörde
 - 4) Bestandaufnahme der Internationalen Atomenergie-Agentur
- 77- **Laut dem Text war die Weiterleitung des iranischen Atomprogramms an den Sicherheitsrat die Folge einer**
- 1) Resolution in IAEA
 - 2) Deklaration in IAEA
 - 3) politischen Charta der IAEA
 - 4) politischen Satzung der IAEA
- 78- **Welcher der folgenden Sätze stimmt?**
- 1) Die Abstimmung zum iranischen Atomprogramm verlief einseitig.
 - 2) Bei der Abstimmung zum iranischen Atomprogramm enthielten sich einige Länder.
 - 3) Bei der Abstimmung zum iranischen Atomprogramm gab es einheitliche Stimmen.
 - 4) Einige Länder haben an der Abstimmung zum iranischen Atomprogramm nicht teilgenommen.
- 79- **Die Weiterleitung des iranischen Atomprogramms an den Sicherheitsrat wurde im der IAEA beschlossen.**
- 1) Schutzrat
 - 2) Gouverneurrat
 - 3) Schiedsrat
 - 4) Richterrat
- 80- **Der Text besagt, dass**
- 1) alle Vorwürfe der IAEA gegen Iran unbewiesen sind
 - 2) alle Vorwände der IAEA gegen Iran ein politischer Bluff sind
 - 3) die Vorwände der IAEA gegen Iran von Vorurteilen geprägt sind
 - 4) die Vorwürfe der IAEA gegen Iran einen wirtschaftlichen Zweck haben
- 81- **Dem Text entsprechend**
- 1) kann man alle Konflikte der Welt an den Sicherheitsrat leiten
 - 2) muss man nur die Konflikte an den Sicherheitsrat leiten, die in der IAEA nicht angefochten werden dürfen
 - 3) muss man nur die Konflikte an den Sicherheitsrat leiten, die im Zuständigkeitsbereich dieser Organisation liegen
 - 4) darf man jeden Konflikt im Fall der Absprache mit dem betroffenen Land an den Sicherheitsrat leiten
- 82- **Der Text besagt, dass man nur dann das iranische Atomprogramm an den Sicherheitsrat leiten sollte, wenn Iran**
- 1) seinen Verpflichtungen gegenüber dem Sicherheitsrat nicht nachgekommen wäre
 - 2) nicht rechtzeitig sein Atomprogramm vorgestellt hätte
 - 3) den Atomsperrvertrag nicht unterzeichnet hätte
 - 4) ein Atomwaffenprogramm verfolgt hätte

متن دوم:

موضوعاتی نظیر جدایی و پیری، لایه اصلی فیلم جدایی نادر از سیمین را تشکیل می‌دهند. سیمین بار سفر بسته و قصد سفر و مهاجرت به خارج کشور را دارد، ولی نادر به علت وابستگی و یا به عبارتی مراقبت از پدر سالخورده و مریض خود مایل به ترک وطن نیست. موضوع اصلی مشاجره میان این دو، اما سرنوشت دختر آنهاست. انتقادی که به این لایه وارد است این است که در آن سخنی از دلایل این سفر یا مهاجرت به میان نمی‌آید. انتقاد دیگر این است که به شخصیت سیمین به تفصیل پرداخته نمی‌شود و بیننده به همین علت چندان قادر به ارزیابی شخصیت و روحیات این فرد نیست. مخالفین این انتقاد در مقابل معتقدند، نیازی به توضیحات مفصل برای توجیه مهاجرت افراد به خارج از کشور نیست زیرا علل این مهاجرت‌ها بدیهی و آشکارند و نیاز به بیان ندارند. از منظر دیگر، اصولاً بیماری پدر نادر و معضل طلاق، محوریت اصلی فیلم را تشکیل نمی‌دهند. آنچه در فیلم بسیار به چشم می‌آید، از یک سو تضادهای اجتماعی چشمگیر مانند فاصله میان فقیر و غنی و منازعات ناشی از این شکاف و از سوی دیگر مسئله اخلاق و عدالت و نبود امکان زندگی سالم و اخلاقی در جامعه است. فقدان امکان زندگی سالم به ویژه در دروغ‌هایی تجلی و ظهور می‌یابد که دست‌مایه اکثر شخصیت‌های فیلم در طول داستان قرار می‌گیرد. تقریباً تمامی شخصیت‌های فیلم حتی در زمانی که میل به گفتن حقیقت وجود دارد، از گفتن آن واهمه دارند. علت این امر که گاهی از باب مصلحت و گاهی از سر جبر و ناچاری است، شرایط پیرامونی این افراد است. در یک صحنه کلیدی، فرزند خانواده پی‌می‌برد که پدرش به او دروغ گفته و از علت آن هم آگاه می‌شود، اما در ادامه خود او نیز دروغ می‌گوید، امری که به عبارتی نمادی از بلوغ او است. تنها کسی که هیچ‌گاه دروغ نمی‌گوید، دختر خردسال زوج خدمتکار است. اما دیگران آگاهانه و با اطلاع از این ویژگی دختر بچه سعی می‌کنند او را به بیان مسائلی که برای والدینش پیامدزا است، وادار نمایند. سیمین هم دروغ نمی‌گوید. تنها باری که می‌توان به او خرده گرفت که حقایق را کتمان کرده، زمانی است که او در نخستین بار حضور در دادگاه وضعیت حاکم در منزل را آن‌گونه که هست بیان نمی‌کند. پدر پیر نادر هم دروغ نمی‌گوید. اما در مورد او مسئله قدری متفاوت است، او اصولاً به علت کهولت و بیماری قادر به تکلم منطقی و طولانی نیست. و بالاخره اینکه در این فیلم تمامی شخصیت‌ها در سرنوشتی فرورفته‌اند که تغییر آن از اراده آنها خارج است. تمامی اعمالی که به قصد عمل نیک و به نیت کمک و همدردی انجام می‌شوند، تأثیر معکوس دارند. خدمتکار زن که قصد کمک به همسر و خانواده‌اش را دارد بزرگ‌ترین بازنده داستان است؛ او هم فرزند و هم اجرتی که قرار بوده عایدش شود را از دست می‌دهد و هم درمانده و مأیوس به جا می‌ماند. از طرفی همسر او نیز وضعیت چندان بهتری ندارد. هم از طلبکارانش خلاصی ندارد و هم باید حقارت ناشی از قسم نخوردن همسرش به قرآن را به جان بخرد. سیمین همسرش را از دست می‌دهد. آنچه در ابتدا به عنوان یک جدایی موقت به نظر می‌رسید، در نهایت به جدایی کامل می‌انجامد. همین مسائل در مورد نادر هم صادق است. او نیز همسر خود را از دست می‌دهد. حال پدرش وخیم‌تر می‌شود و وجهه‌ای را که نزد دخترش به عنوان یک آدم راستگو داشته، از دست می‌دهد.

83- Der Hauptstreitpunkt zwischen Nader und Simin ist

- 1) die Arbeit einer fremden Frau im Haushalt
- 2) die Zukunft ihrer gemeinsamen Tochter
- 3) die Verlegung von Naders Vater in ein Altersheim
- 4) die Spielsucht von Nader, die die Familie um ihr Vermögen brachte

- 84- Aus welchem Grund will Simin ins Ausland auswandern?**
- 1) Sie sehnt sich nach der Freiheit, die laut ihr im Ausland zu finden ist.
 - 2) Sie glaubt, die Zukunft ihrer Tochter sei im Ausland besser gesichert.
 - 3) Sie will zu ihren Eltern ziehen, die seit langem im Ausland leben.
 - 4) Es gibt diesbezüglich keine nähere Information im Text.
- 85- Welche Problemfelder werden u. a. im rezensierten Film behandelt?**
- 1) "Altern" und "Trennung"
 - 2) "Trunksucht" und "Untreue"
 - 3) "Bestechlichkeit" und "Arbeitssucht"
 - 4) "Analphabetismus" und "Aberglaube"
- 86- Wie wird Simin laut Text im Film charakteristisch dargestellt?**
- 1) Sehr ausführlich
 - 2) Total unsympathisch
 - 3) Wenig differenziert
 - 4) Teilweise undurchschaubar
- 87- Welches Problem spielt keine zentrale Rolle im Film?**
- 1) Die Ausreiseproblematik
 - 2) Die starken gesellschaftlichen Gegensätze
 - 3) Das Problem von Moral bzw. Gerechtigkeit
 - 4) Die Unmöglichkeit, ausschließlich moralisch zu leben
- 88- Wie ist die Lüge, die Naders Tochter ihm erzählt, zu interpretieren?**
- 1) Sie lügt, weil sie sich an ihrem Vater für seine Lüge revanchieren will.
 - 2) Die Lüge kann als Ausdruck ihres Hasses gegenüber ihrer Mutter verstanden werden.
 - 3) Diese Lüge hat keine besondere Bedeutung und ist als Gewohnheitslüge zu bezeichnen.
 - 4) Die Lüge kann als Ausdruck ihres Reifungsprozesses interpretiert werden.
- 89- Was wurde laut Text aus gut gemeinten Aktionen und Mitgefühlen?**
- 1) Sie wirkten immer positiv ein.
 - 2) Sie bewirkten das Gegenteil dessen, was beabsichtigt war.
 - 3) Manchmal stimmten sie die Charaktere zur Beilegung ihrer Streitigkeiten positiv um.
 - 4) Sie wurden zwar nicht ignoriert, ihre Wirkung war jedoch nicht so überwältigend wie erwartet.
- 90- Laut Text sind alle Charaktere in ein Schicksal verstrickt, das**
- 1) überhaupt nicht unentrinnbar scheint
 - 2) sie kaum beeinflussen können
 - 3) sie um ihr Hab und Gut bringen könnte
 - 4) ihr Leben in beste Ordnung bringen soll

راهنمایی: در سؤال‌های ۹۱ تا ۱۰۰، گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- 91- **Im Zivilrecht ist die Willenserklärung die Äußerung eines Rechtsfolgewillens, also die des Willens einer Person, die einen Rechtserfolg beabsichtigt.**
1) Befolgung
2) Folge
3) Bereitschaft
4) Kundgabe
- 92- **Marktgleichgewicht nennt man die Situation auf einem Markt, in der die Menge gleich der Nachfragemenge ist.**
1) des Anspruchs
2) der Annahme
3) des Angebots
4) der Anfrage
- 93- **Innerhalb eines Mehrparteiensystems politische Parteien untereinander um Besetzung der politischen Entscheidungspositionen.**
1) wetteifern
2) patrouillieren
3) feilschen
4) verhandeln
- 94- **..... ist das Bündnis mehrerer Parteien für die Dauer einer Legislaturperiode.**
1) Kabinett
2) Opposition
3) Fraktion
4) Koalition
- 95- **Insolvenz bezeichnet die Situation eines Schuldners, seine Zahlungsverpflichtungen gegenüber dem Gläubiger nicht zu können.**
1) tilgen
2) erfüllen
3) teilen
4) begleichen
- 96- **Wenn einem ein Anspruch gegen einen anderen zusteht, ist er ein**
1) Insolvent
2) Schuldner
3) Gläubiger
4) Vormund
- 97- **Welches Wort passt nicht in die Reihe?**
1) Koautor
2) Komplize
3) Individualist
4) Assistent
- 98- **Er hat ein Gedächtnis wie ein**
1) Spatz
2) Löwe
3) Lemming
4) Elefant
- 99- **Du bist gar nicht richtig krank, du**
1) simulierst
2) spekulierst
3) gestikulierst
4) stimulierst
- 100- **Das kannst du dir in den schreiben.**
1) Pfeffer
2) Notizblock
3) Kamin
4) Kühlschrank

راهنمایی: در سؤال‌های ۱۰۱ تا ۱۲۰، گزینه صحیح کدام است؟

- 101- Welches Wort ist nicht richtig getrennt?
1) Film-a-te-li-er
2) Elekt-ro-nik
3) Pro-blem
4) hi-naus-bli-cken
- 102- Julias Eltern sind bei uns zum Essen gewesen.
1) Gestern abend
2) gestern abend
3) Gestern Abend
4) gestern Abend
- 103- Die Familie wollte erst nach Rückkehr des Vaters die Entscheidung treffen. Aber es war trotzdem ratsam, schon im zu erledigen.
1) Einiges / Voraus
2) Einiges / voraus
3) einiges / Voraus
4) einiges / voraus
- 104- Am frühen ist der Verkehr besonders stark.
1) Morgen d. h. vor Arbeitsbeginn
2) Morgen, d. h. vor Arbeitsbeginn
3) Morgen d. h. vor Arbeitsbeginn,
4) Morgen, d. h. vor Arbeitsbeginn,
- 105- Als Anwalt hatte er gelernt, Verdachtsmomente so lange als solche gelten zu lassen, bis Beweise vorlagen.
1) hieb und stichfeste
2) hieb- und stichfeste
3) hieb- und stich-feste
4) hieb-und-stich-feste
- 106- Erst der Diebstahl von Becks Briefftasche zog den in den komplizierten Fall hinein.
1) Kommissar
2) Kommissar
3) Komisar
4) Komissar
- 107- Allein Gabriel war an allem Alle anderen hatten eine Weste.
1) Schuld / weisse
2) schuld / weisse
3) schuld / weiße
4) Schuld / weiße
- 108- Bei welchem der zusammengesetzten Wörter ist das Fugenelement "s" rechtschreibmäßig nicht zulässig?
1) Bezugnahme
2) Bezugsperson
3) Bezugszeile
4) Bezugspreis
- 109- Der Goldring war auf der Innenseite mit einem kleinen Initial verziert.
1) zehn karätige
2) 10 karätige
3) 10karätige
4) 10-karätige

